

مطالعه‌ای پیرامون ابعاد تأثیرپذیری پرونده‌های کیفری از رسانه‌ای شدن اخبار و بازتاب آن بر رسیدگی قضایی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۸)

دکتر حسین یاراحمدی^۱

فاطمه نوروزی

چکیده

بازنمایی رسانه‌ای جرائم موجب می‌شود که افکار عمومی مطالباتی همسو با محتوای رسانه‌ها از مقامات عدالت کیفری داشته باشند و با توجه به اهمیت سیاسی پیدا کردن این خواسته‌ها مسئولین عدالت کیفری در مراحل مختلف از جمله تعیین مجازات، از خواسته‌های عمومی در تصمیم‌گیری‌های خود تأثیرپذیرند. بر این مبنا پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها می‌باشد: ۱- پردازش جرم در رسانه‌ها تا چه اندازه با واقعیت‌های موجود در پرونده‌های جنائی انطباق دارد؟ ۲- رسانه‌ای شدن جرم چه تأثیری بر نحوه رسیدگی به آن جرم دارد؟ ۳- رسانه‌ای شدن جرم چه تأثیری بر تعیین نوع و میزان مجازات نسبت به متهم آن دارد؟ فرضیات اولیه قابل‌ارائه نیز بدین شرح است: ۱- به نظر می‌رسد که رسانه‌ها در انتخاب و بازتاب اخبار و رویدادهای جنائی تنها بر جنبه‌های خاصی از حوادث جنائی تأکید می‌کنند و شیوه انعکاس این رویدادهای جنائی با واقعیت‌های مجرمانه انطباق ندارد. ۲- به نظر می‌رسد که رسانه‌ای شدن جرم پیامدهایی از قبیل افزایش رسیدگی‌های عجولانه، کاهش کیفیت دادرسی، نادیده انگاشتن برخی از حقوق دفاعی متهم و نیز نقض حریم خصوصی اصحاب دعوی را به دنبال خواهد داشت. ۳- به نظر می‌رسد متهمان پرونده‌های جنائی که جنبه رسانه‌ای پیدا می‌کنند از نظر کمی و کیفی با قرارهای تأمینی و مجازات شدیدتری روبه‌رو می‌شوند. در این تحقیق تعدادی از پرونده‌های کیفری که جنبه رسانه‌ای پیدا کرده‌اند مانند پرونده قتل میدان کاج سعادت‌آباد تهران، متهم معروف به خفاش شب، متهم معروف به عقرب سیاه و مفاسد اقتصادی انتخاب شده‌اند و برای مقایسه تأثیرگذاری رسانه‌ای شدن جرم بر رسیدگی کیفری و تعیین مجازات مورد ارزیابی قرار گرفتند.

واژگان کلیدی: رسانه، افکار عمومی، انعکاس، جرم، پرونده کیفری، مجازات و کیفر

مقدمه

رسانه‌های جمعی می‌توانند بر الگوهای موجود حیات و حقوق انسانی از جمله نهادهای قضایی و کارکرد آن تأثیرگذار باشند (ترزومی نژاد، ۱۳۹۳). در محاکمات علنی حضور مردم و به‌ویژه اصحاب رسانه هرچند باعث ایجاد نظارت بر عملکرد دادگاه می‌گردد اما توالی فاسدی نیز به دنبال خواهد داشت؛ از جمله اینکه ممکن است منجر به افشای مطالعات اصحاب دعوا و ایجاد برچسب مجرمانه بر متهم پرونده کیفری قبل از احراز مجرمیت وی گردد، به‌علاوه هرچند اصل بر این است که قاضی یا شاهد در تصمیم یا اظهارنظری که قرار است در دادگاه مطرح کنند نبایستی تحت تأثیر فشارها و تنش‌های بیرونی، در اظهارات یا تصمیمات خود تغییری بدهند، اما گاه صاحبان قلم و برخی گزارشگران حرفه‌ای، در بعضی از پرونده‌های قضایی و قبل از صدور حکم قطعی، به لحاظ تبحری که در نوع تفسیر موضوعات و اقدامات دادگاه دارند، می‌توانند با نوشته‌های خود، جهت و سیر رسیدگی دادگاه را برخلاف عدالت قضایی تغییر دهند (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۰). این حقیقتی غیرقابل انکار است که در دوران معاصر باوجود ظهور رسانه‌های مختلف و دسترس پذیرتر شدن اخبار و اطلاعات، مطبوعات به‌ویژه روزنامه‌ها همچنان مخاطبان زیادی به خود جذب می‌کنند. این موضوع از نگاه جامعه‌شناسی کیفری به این اعتبار که مطبوعات، پر خواننده‌ترین صفحات نوشتاری بوده و مشتریان آن‌ها، «اخبار و حوادث جنایی» را با رغبت تعقیب می‌کنند، حائز اهمیت است؛ چراکه شیوه و ماهیت موضوع مورد بازنمایی چنین اخباری می‌تواند منبع مهمی در تغییر نگرش افراد به بزهکاری، کیفر و عدالت کیفری باشد (معظمی و همکاران، ۱۳۹۹).

روند بازنمایی جرائم در رسانه‌ها تحت تأثیر عوامل متعدد مانند گزینشی بودن انتخاب جرائم، سطح پایین علمی گزارش‌ها و نگرش سیاسی حاکم بر رسانه قرار می‌گیرد و درنهایت موجب تمایز بازنمایی رسانه‌ای جرائم با واقعیت مجرمانه می‌گردد. به‌طور کلی تبعیت بازنمایی رسانه ای جرم از الگویی متفاوت نسبت به آمار رسمی، بر متغیرهایی مانند ترس از جرم، عوام گرایی کیفری، ترویج سطحی‌نگری و افزایش نرخ جرائم تأثیرگذار است. بازنمایی رسانه‌ای جرم منجر به شکل‌گیری افکار عمومی شده و رسانه‌ها مقامات عدالت کیفری را در همسویی با افکار عمومی تحت فشار قرار می‌دهند. در مرحله رسیدگی این تأثیرگذاری در غالب نقض

معیارهای دادرسی عادلانه مانند استقلال و بی‌طرفی دادگاه، رعایت مقتضیات اصل برائت، داشتن زمان و امکانات کافی برای دفاع و نقض حریم خصوصی طرفین مشاهده می‌شود. در مرحله تعیین مجازات مقامات عدالت کیفری در پیروی از افکار عمومی گرایش به انتخاب مجازات تنبیهی، افزایش میزان مجازات و اجرای علنی مجازات را دارند (اروجی، ۱۴۰۱).

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تأثیرپذیری از بازتاب رسانه‌ای در قوه قضاییه، نقض موازین دادرسی عادلانه در جرائم رسانه‌ای شده است. پرداختن گسترده رسانه‌ها به اخبار مربوط به برخی جرائم در دهه‌های اخیر و بازتاب دادن انتظارات مردم در گزارش‌های خود، که بیشتر ساخته بازنمایی رسانه‌ای جرم هستند تا تحلیل‌ها و نظریه‌های کارشناسی، موجب شده، مقامات دستگاه قضایی در پیروی از این دیدگاه‌ها تحت فشار قرار گیرند. با توجه به اینکه دیدگاه‌های مردمی که بازتاب داده می‌شود فاقد جنبه کارشناسی و علمی است در مواردی با معیارهای دادرسی عادلانه در تضاد قرار می‌گیرند. بر اساس موازین دادرسی عادلانه هم دادگاه از نظر ساختاری و هم قاضی دادگاه به‌طور فردی باید استقلال کامل داشته باشند و تشکیل دادگاه و انتخاب قاضی دادگاه برای رسیدگی باید بر اساس روندی قانونی و از پیش تعیین شده باشد. این در حالی است که در پرونده‌هایی که جنبه رسانه‌ای پیدا کرده‌اند مانند ((فساد مالی اخیر، قتل میدان کاج سعادت آباد تهران، قتل روح‌الله داداشی، تجاوز گروهی در خمینی شهر اصفهان و کاشمر خراسان)) شاهد تشکیل دادگاه‌های ویژه برای رسیدگی به این جرائم و انتخاب قضات خاص برای این پرونده‌ها بدون پیش‌بینی در قوانین بوده‌ایم. فقدان استقلال دادگاه‌ها قضات در چنین پرونده‌هایی موجب می‌شود که آن‌ها در مقابل افکار عمومی و رسانه‌ها نیز استقلال خود را از دست بدهند.

نتیجه این امر در بعضی موارد خارج شدن قضات از موضع بی‌طرفی و اظهارنظر و یا اتخاذ تصمیم به‌طور جانب‌دارانه و به‌دوراز شأن قاضی دادگاه است. علاوه بر این، با تحت فشار قرار گرفتن قضات، آن‌ها اجازه می‌دهند تا از پرونده گزارش توسط خبرنگاران تهیه شود. تهیه این گزارش‌ها از پرونده پیامدهای متعددی دارد که بسته به مرحله روند رسیدگی متفاوت است. در مرحله دادرسی با توجه به لزوم محرمانه بودن تحقیقات، معمولاً اجازه تهیه گزارش داده نمی‌شود، اما در پرونده متهم معروف به خفاش شب که جنبه رسانه‌ای پیدا کرده بود شاهد تهیه

گزارش‌های متعدد از مرحله تحقیقاتی بودیم که نتیجه این امر تأخیر زیاد در دستگیری مجرم بود. در پرونده‌های رسانه‌ای شده مانند قتل میدان کاج سعادت آباد تهران و روح‌الله داداشی رسیدگی کیفری در پاسخ به افکار عمومی به سرعت انجام شد. تسریع رسیدگی در پرونده قتل میدان کاج سعادت آباد تهران به وضوح حق دفاع متهم را تضییع کرد به طوری که وکلای متهم در اظهارات خود بیان داشتند که پرونده را مطالعه نکرده‌اند و تقاضای دادن مهلت برای مطالعات پرونده و تجدید جلسه را کردند که با مخالفت قاضی دادگاه مواجه شد. همچنین در اظهارات وکلای متهم به مواردی اشاره شده بود که مراجعه به کارشناس و ترتیب اثر دادن به نظر پزشکی قانونی را لازم می‌نمود. اما دادگاه بدون ترتیب اثر دادن به این درخواست‌ها مبادرت به صدور رأی نمود. تصمیمات مقامات دستگاه قضایی در پرونده‌های رسانه‌ای شده مانند واقعه تجاوز گروهی در خمینی شهر اصفهان در غالب تعیین مجازات شدید نمود پیدا می‌کند. بر این مبنا پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها می‌باشد:

۱- پردازش جرم در رسانه‌ها تا چه اندازه با واقعیت‌های موجود در پرونده‌های جنائی انطباق دارد؟ ۲- رسانه‌ای شدن جرم چه تأثیری بر نحوه رسیدگی به آن جرم دارد؟ ۳- رسانه‌ای شدن جرم چه تأثیری بر تعیین نوع و میزان مجازات نسبت به متهم آن دارد؟ فرضیات اولیه قابل ارائه نیز بدین شرح است:

۱- به نظر می‌رسد که رسانه‌ها در انتخاب و بازتاب اخبار و رویدادهای جنائی تنها بر جنبه‌های خاصی از حوادث جنائی تأکید می‌کنند و شیوه انعکاس این رویدادهای جنائی با واقعیت‌های مجرمانه انطباق ندارد. ۲- به نظر می‌رسد که رسانه‌ای شدن جرم پیامدهایی از قبیل افزایش رسیدگی‌های عجولانه، کاهش کیفیت دادرسی، نادیده انگاشتن برخی از حقوق دفاعی متهم و نیز نقض حریم خصوصی اصحاب دعوی را به دنبال خواهد داشت. ۳- به نظر می‌رسد متهمان پرونده‌های جنائی که جنبه رسانه‌ای پیدا می‌کنند از نظر کمی و کیفی با قرارهای تأمینی و مجازات شدیدتری روبه‌رو می‌شوند.

بخش اول: نگاهی به پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق در خصوص تأثیر بازنمایی رسانه‌ای بر جرم در داخل و خارج از کشور متفاوت است: در کشورهای مختلف تحقیق، در خصوص این تأثیرگذاری سابقه زیادی دارد و

به خصوص از سال‌های ۱۹۷۰ میلادی به طور تخصصی و در بیشتر مراکز آموزشی شروع شده است. تعدادی از منابع لاتین با همکاری استاد محترم راهنما با عناوین زیر دریافت و ترجمه گردید که در تدوین چهارچوب نظری تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. کتاب عوام گرایی کیفری (پریت، ۲۰۰۷) مطالعه شد. در این کتاب نویسنده به بررسی و تحلیل جنبه‌های مختلف عوام گرایی پرداخته و در فصل سوم تحت عنوان عوام گرایی، رسانه و فناوری اطلاعات به نقش رسانه‌ها در ایجاد زمینه‌های عوام گرایی پرداخته است.

مقاله‌ی گلیک و پرو (۱۹۸۵) تحت عنوان جرم، افکار عمومی و رسیدگی کیفرینیز ترجمه گردید. نویسنده این مقاله ضمن سنجش افکار عمومی در خصوص جرائم و استفاده از آمار رسمی و معتبر، تأثیرگذاری افکار عمومی بر دادگاه‌ها و به خصوص تعیین نوع و میزان مجازات را مورد بررسی قرار داده است.

مقاله‌ی پیتلد و نود (۱۹۹۹) به عنوان افکار عمومی در خصوص جدیت جرائم و اعمال مجازات مطالعه شد. در این مقاله نویسنده با جمع‌آوری اطلاعات میدانی و مصاحبه با مردم و استفاده از آمار رسمی به بررسی میزان جدیت جرم و مجازات پیشنهاد شده از نظر مصاحبه‌شوندگان با اقدامات دادگاه‌ها در پرونده‌های مشابه پرداخته و در نهایت ضمن احراز تفاوت در دیدگاه‌های مردم عادی با مقامات عدالت کیفری به بیان دلایل این تفاوت‌ها می‌پردازد.

مقاله‌ی روبرت (۱۹۹۹) با عنوان سزا گرایی، افکار عمومی و اخبار رسانه‌ای مورد مطالعه قرار گرفت. در این مقاله نویسنده ضمن جمع‌آوری و تحلیل محتوای اخبار رسانه‌ای در خصوص سزا گرایی به ارزیابی افکار عمومی در خصوص سزا گرایی پرداخته و رابطه بین اخبار رسانه‌ای و افکار عمومی را در خصوص سزا گرایی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد.

در داخل کشور تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته که به صورت مقالات علمی به چاپ رسیده‌اند و در ضمن پرداختن به موضوع اصلی که عوام گرایی کیفری، سیاست جنایی و یا بزه دیدگی زنان بوده است به تأثیر رسانه‌ای شدن جرم بر دستگاه عدالت کیفری نیز اشاره شده است که به چند مورد از این تحقیقات در زیر اشاره می‌شود:

مقاله‌ی فرجیها (۱۳۸۵) با عنوان بازتاب رسانه‌ای جرم‌که در این مقاله نویسنده به بیان ویژگی‌های بازتاب جرم در رسانه و برخی چهارچوب‌های نظری مطرح‌شده در این زمینه پرداخته و به پیامدها و آثار آن بر تصمیمات دادگاه‌ها و تعیین مجازات اشاره‌ای نشده است. مقالات مشترک که با عناوین ویژگی‌های سیاست‌های عوام‌رایانه (فرجیها و همکاران، ۱۳۹۱) و رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرائم جنسی (فرجیها و همکاران، ۱۳۹۰) که در این مقاله‌ها نویسندگان به بیان ویژگی‌ها و مبانی سیاست‌های کیفری عوام‌گرایانه در ایران پرداخته و ضمن پرداختن به چهارچوب نظری عوام‌گرایی پیامدهای آن را در حوزه‌های جرائم جنسی و عدالت کیفری نوجوانان و جوانان مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده‌اند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان جایگاه رسانه‌های گروهی در سیاست جنایی (فرهمند، ۱۳۸۷) که در این تحقیق رسانه‌ها را به عنوان ابزاری جهت تحقق اهداف سیاست جنایی بررسی کرده‌اند و بر استفاده از ظرفیت رسانه‌ها در تحقق اهداف سیاست جنایی تأکید می‌کند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع بررسی نحوه بازنمایی بزه دیدگی زنان در رسانه‌ها (همت‌پور، ۱۳۹۰) با توجه به مشترک بودن بعضی از مبانی نظری در خصوص بازنمایی رسانه‌ای مورد استفاده گرفته است. در این تحقیق نظریه‌های مطرح در زمینه بازنمایی رسانه‌ای در غالب بررسی بزه دیدگی زنان مورد ارزیابی قرار گرفته است.

بند اول: روش تحقیق

روش این تحقیق توصیفی، تحلیلی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های زیر استفاده شده است:

- ۱- نمونه پژوهی حوادث و رویدادهای جنایی در جرم‌های مختلف.
 - ۲- تجزیه و تحلیل اخبار و رویدادهای جنایی در رسانه‌ها.
 - ۳- تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک قضائی.
 - ۴- مصاحبه با قضاوت دادسرا و دادگاه.
- در این تحقیق تعدادی از پرونده‌های کیفری که جنبه رسانه‌ای پیدا کرده‌اند مانند پرونده قتل میدان کاج سعادت‌آباد تهران، متهم معروف به خفاش شب، متهم معروف به عقرب سیاه و

مفاسد اقتصادی انتخاب شده‌اند و برای مقایسه‌ی تأثیرگذاری رسانه‌ای شدن جرم بر رسیدگی کیفری و تعیین مجازات مورد ارزیابی قرار گرفتند.

بخش دوم: چارچوب مفهومی

بند اول: بازنمایی رسانه‌ای

رسانه‌های خبری با بازتاب اخبار مربوط به وقایع اتفاق افتاده در جامعه تصویری از این رخدادها را برای مخاطبان خود تداعی می‌کنند. این عمل در اصطلاح بازنمایی رسانه‌ای گفته می‌شود. در این فرایند گزارشگران از رخدادها و جامعه به عنوان مواد اولیه برای اخبار خود استفاده می‌کنند. محصول نهایی این فرایند به صورت گزارش‌های خبری برای مخاطبان عرضه می‌شود. آنچه در این خصوص قابل توجه است این است که محصول نهایی که برای مخاطبان بازتاب داده می‌شود، با رخداد اصلی مبنای این خبر ممکن است متفاوت باشد. این روند منجر به بازنمایی متفاوت با واقعیت در رسانه‌ها می‌شود. این امر می‌تواند نتیجه عوامل متعددی باشد که در نهایت بر محصول نهایی رسانه‌ها تأثیر می‌گذارند. یکی از این دلایل لزوم جذابیت گزارش‌های خبری به منظور جلب مخاطب برای رسانه‌ها در رقابت با سایر خبرگزاری‌هاست. انتخاب واژه‌ها توسط خبرنگاران تأثیر زیادی بر جذابیت گزارش دارد و خبرهایی که مورد تأثیر قرار می‌گیرند، خبرهایی که با حروف درشت نوشته می‌شود و انتخاب واژه توسط مخبرین و سخن مفسرین و نوع انتخاب عنوان‌ها و تیترهای اصلی و فرعی همه بر اساس معیارهایی است که مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد (نوروزی، ۱۳۷۵).

بند دوم: رسانه‌ای شدن جرم

تأمین جذابیت محتوای رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ی مدیران رسانه‌های خبری می‌باشد. در این راستا مدیران رسانه‌ها برنامه‌های متنوعی را در غالب برنامه‌ها و اخبار پیش‌بینی کرده‌اند. این برنامه‌ها طیف وسیعی از موضوعات مختلف از قبیل سرگرمی، ورزش و... را شامل می‌شود. یکی از جذاب‌ترین جنبه‌های زندگی اجتماعی نیز مسائل مربوط به جرم و جنایت است. در نتیجه پخش جرائم از رسانه‌ها نه تنها جذابیت آن‌ها را تأمین می‌کند بلکه زمانی که شبکه‌های زیادی در حال پخش خبر هستند شبکه‌ای مخاطب بیشتری را جذب می‌کند که

محتوی مجرمانه دارد (پریت، ۲۰۰۷) در این تحقیق منظور از رسانه‌ای شدن جرم تمرکز رسانه‌های خبری بر روی پدیده‌ی جنایی و بازتاب گسترده‌ی اخبار مربوط به وقوع و رسیدگی کیفری آن است. در این وضعیت رسانه‌های خبری سعی دارند، تمامی اخبار مربوط به این واقعه را بازتاب دهند و به دلیل توجه مردم معمولاً با استقبال بالایی همراه است. به عنوان نمونه می‌توان به اخبار مربوط به واقعه منتهی به قتل در میدان کاج سعادت آباد تهران، فساد بزرگ مالی که چند بانک دولتی و شرکت خصوصی در آن مداخله داشتند، قتل روح الله داداشی قوی‌ترین مرد ایران و حادثه تجاوز جمعی در خمینی‌شهر اصفهان در گذشته نزدیک اشاره کرد.

بند سوم: ترس از جرم

وقوع جرم در جوامع آثار مخرب زیادی به دنبال دارد. یکی از این آثار زیان‌بار ایجاد احساس ناامنی در جوامع است. پس از وقوع جرم در یک منطقه احساس ناامنی ناشی از آن ممکن است تا مدت‌ها باقی باشد و اهالی منطقه از اینکه مورد آن جرم یا جرائم مشابه واقع شوند هراس داشته باشند. به این احساس ناامنی ناشی از پدیده‌ی مجرمانه ترس از جرم گفته می‌شود. از نظر علمی نیز ترس از وقوع جرم به اندازه‌ی خود آن، یعنی خطرهای آماری حاصل از وقوع جرم اهمیت دارد (مدیری، ۱۳۸۵). دلیل این اهمیت نیز تأثیر ترس از جرم بر متغیرهای اجتماعی مثل میزان همبستگی اعضای جامعه است. ترس از جرم یک متغیر اعتباری و غیر ملموس است و میزان آن در جامعه بستگی به عوامل گوناگونی دارد. یکی از این عوامل بازنمایی رسانه‌ای جرائم در رسانه‌ها است. انتخاب وقایعی که باید بازتاب داده شود بر اساس ارزش خبری در رسانه‌ها موجب می‌گردد، جرائمی که دارای خطر بیشتری هستند در اولویت پخش قرار گیرند. استفاده خبرنگاران از روش‌های خاص افزایش جذابیت اخبار موجب افزایش تأثیر بر مخاطبین می‌گردد. و یکی از عواملی است که ممکن است تحت تأثیر آن ترس از جرم به نحو نامعقولی بالا باشد. در این صورت این ترس اساساً عقلانی نیست ولی احساسی است که در میان مردم وجود دارد و توسط رسانه‌های گروهی تشدید می‌شود (لازرز، ۱۳۸۲). این در حالی است که بازنمایی جرائم در رسانه‌ها موجب می‌گردد که مخاطبین به نحو

غیرمستقیم وقوع جرم را تجربه کنند که به آن تجربه‌ی نیابتی جرم گفته می‌شود و موجب می‌گردد که میزان ترس از جرم ناشی از بازنمایی جرم را افزایش می‌دهد.

بند چهارم: افکار عمومی

اصطلاح افکار عمومی دارای چهارچوب علمی و فنی گسترده و بسیار پیچیده است تا جایی که برخی از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی ارائه تعریفی دقیق از آن را غیرممکن دانسته‌اند. با این وجود به عنوان تعریفی ساده افکار عمومی را دیدگاه مردم در خصوص موضوعاتی که مورد توجه یا علاقه عموم است، دانسته‌اند (رهبر، ۱۳۸۴). آنچه در خصوص دیدگاه مردم قابل توجه است نحوه شکل‌گیری آن است. نحوه شکل‌گیری این دیدگاه به عوامل متعدد بستگی دارد. در حالی که تردید نیست که این دیدگاه نتیجه جامعه متشکل از محیط خانوادگی و آموزشی و اجتماعی می‌باشد (رهبر، ۱۳۸۴). تأثیر رسانه‌ها در شکل‌گیری این نتیجه قابل توجه است. کیفیت تأثیرگذاری رسانه‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی دارای فراز و نشیب‌های زیادی بوده است. در دوران قبل از جنگ جهانی دوم مقاماتی اقدام به تحمیل استانداردهای خود و ارزشیابی رعایت احترام به جامعه در اولین برنامه‌های تلویزیون می‌کردند (پیت، ۲۰۰۷). این امر باعث می‌شد که روند شکل‌گیری افکار عمومی تحت کنترل قرار گیرد و از نتایج نامطلوب رسانه‌ها بر افکار عمومی تا حد امکان پیشگیری شود. هم‌زمان پوشش اخبار هم بر مبنای حوادث اتفاق افتاده بود تا پوشش روزنامه‌وار وقایعی که در جامعه رخ داده است (پیت، ۲۰۰۷). با وجود فاصله گرفتن روند بازتاب جرم در رسانه از واقعیت‌های موجود در اجتماع نظرسنجی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که مردم اطلاعات خود در خصوص جرائم را از اخبار رسانه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی کسب می‌کنند (گلیک و پوت، ۱۹۸۵). نتیجه این امر شکل‌گیری افکار عمومی در خصوص جرم و مجازات در مردم منطبق با اخبار بازتاب یافته در رسانه‌ها است مصاحبه‌هایی که در خصوص وقایع مهم کیفری انجام شده است نشان می‌دهد که افراد در مصاحبه‌ها صرفاً آنچه را که از طریق رسانه‌ها به آنان بازخورد داده شده است را بازگو می‌کنند و نگرشی همسو با اخبار منعکس شده در رسانه‌ها را در آنان سبب شده است. این افراد با ذکر الفاظ و عبارات کلی که توسط رسانه‌ها استفاده می‌شود مثل برخورد شدید و لزوم عبرت دیگران از واقعه رخ داده از این اقدامات حمایت می‌کنند. درواقع آنچه تحت

عنوان افکار عمومی از طرف رسانه‌ها بازتاب داده می‌شود ساخته و پرداخته‌ی خود آن‌ها است. دبیران و سردبیران مطبوعات و تهیه‌کنندگان برنامه‌های خبری و تفسیری رادیو و تلویزیون از طریق گزینش موضوعات خبری و تفسیری و نحوه پوشش آن‌ها به‌طور غیرمستقیم بستری فراهم می‌کنند که موضوعات و اخبار مهم روز چه چیزهایی هستند (میرسعیدی، ۱۳۸۱). البته عواملی مانند توسعه یافتگی موجب می‌شود اثر مستقیم محیط اجتماعی بر افکار عمومی کمتر و اثر غیرمستقیم آن از طریق رسانه‌ها بیشتر شود (دهقان، ۱۳۸۷). آنچه در این تحقیق مورد توجه است افکار عمومی در خصوص آن دسته از پرونده‌های جنایی است که جنبه رسانه‌ای پیدا کرده‌اند. در این گونه پرونده‌ها به محض وقوع حادثه رسانه‌ها به بیان و بررسی ابعاد مختلف آن می‌پردازند. این گزارش‌ها بیشتر متمرکز بر کاستی‌های مؤثر در وقوع حادثه، ارزش‌هایی که به دنبال این جرائم زیر پا گذاشته می‌شوند و نتایج وقوع این جرائم بر جامعه است. در این گزارش‌ها با عینی و ملموس کردن نتایج این جرائم افکار عمومی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند و نگرش‌های مردم در این خصوص را سامان می‌دهند. در نتیجه افکار عمومی در خصوص این پرونده‌ها نه تنها تحت تأثیر رسانه‌ها قرار می‌گیرد بلکه حتی می‌توان ادعا کرد که این افکار عمومی ساخته و پرداخته‌ی خبرنگاران و مدیران رسانه‌های خبری است.

بند پنجم: عوام‌گرایی کیفری

عوام‌گرایی کیفری هنگامی ظهور می‌کند که سیستم عدالت کیفری برای پاسخ‌گویی به نگرانی‌های عمومی راجع به افزایش نرخ جرائم، به جای استفاده از راه‌حل‌های منطقی و علمی که مورد تأیید کارشناسان و نخبگان است، به راه‌حل‌های سریع و ساده که هیچ توجیه علمی ندارند متوسل شود. چنین رویکردی سبب می‌شود مبنای علمی، اثربخشی و عادلانه بودن سیاست‌ها نادیده گرفته شده و مدیران بخش‌های مختلف دستگاه عدالت کیفری به جای یک واکنش مناسب و سازمان‌یافته در رویارویی با پدیده مجرمانه، تحت فشار افکار عمومی و رسانه‌های گروهی عموماً به نشان دادن شدت عمل بیشتری از خود مجبور شوند تا به سهل‌انگاری در مبارزه با جرم متهم نگردند (حسینی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۷). رسانه‌ها در پیدایش زمینه‌های عوام‌گرایی نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. رسانه‌ها با دامن زدن به هراس و نتایج ناشی از جرائم ضمن بالا نشان دادن نرخ جرائم در جامعه به ترس ناشی از جرائم در جامعه

می‌افزایند. فقدان محتوا و تحلیل‌های کارشناسی در رسانه‌ها علل و عوامل اصلی و زیربنایی وقوع جرائم را کم‌رنگ جلوه داده و اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرائم را ناکافی و بی‌تأثیر نشان می‌دهد. این ویژگی رسانه‌ها اعتماد مردم به دستگاه عدالت کیفری و برنامه‌های کارشناسی آن را سلب می‌کند. در طرف مقابل نیز سعی در نزدیک کردن خود به مردم و معرفی کردن خود به عنوان نماینده جامعه و محتوای خود به عنوان افکار عمومی دارند و با استفاده از جایگاه اجتماعی خود مقامات عدالت کیفری را در اتخاذ تدابیر خاص تحت فشار قرار می‌دهند. یکی از اصلی‌ترین زمینه پیدایش عوام‌گرایی کیفری، سیطره فضای احساسی بر مسائل کیفری است (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۰).

عوام‌گرایی کیفری موجب می‌شود سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه، عام‌پسند، نمایشی، احساسی و فاقد مبنای علمی باشند. در این اقدامات در جهت اقناع افکار عمومی بر سزاگرایی و علنی کردن پاسخ‌های کیفری تمرکز می‌شود. این تدابیر در حالی در دستور کار دستگاه عدالت کیفری قرار می‌گیرند که تنها در کوتاه‌مدت می‌توانند منجر به دستیابی به نتیجه شوند و علاوه بر این مانع از تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های درازمدت و کارشناسی شده به‌منظور دستیابی به نتایج مؤثر و پایدار می‌گردند. در مقابل استفاده از تدابیر غیر کیفری و اصلاحی در خصوص مجرمان باوجود برخوردار بودن از پشتیبانی کارشناسان به حاشیه رانده می‌شوند. زمان‌بر بودن نتیجه بخشی این اقدامات و نیاز بررسی این اقدامات و چهارچوب‌های علمی و کارشناسی آن‌ها به‌صرف وقت زیاد در مقابل اقدامات نمایشی عوام‌پسندانه که نتیجه آن‌ها باوجود موقتی بودن، عینی‌تر و ملموس‌تر است و در زمان کمتری حاصل می‌شود، در اتخاذ تدابیر سیاست‌های عوام‌گرایانه تأثیر قابل توجهی دارد.

بند ششم: تأثیر رسانه‌ای شدن جرم بر رسیدگی کیفری

رسانه‌ای شدن جرم بر اقدامات دستگاه قضایی و سایر افراد و نهادها تأثیرگذار است و این افراد یا نهادها تحت تأثیر رسانه‌ها موازین دادرسی عادلانه را نقض می‌کنند. در ادامه به بررسی تأثیرات رسانه‌ای شدن جرم در مراحل رسیدگی کیفری می‌پردازیم.

بند هفتم: تأثیر رسانه‌ای شدن جرم بر استقلال دادگاه و مرحله تحقیقات

علی‌رغم تمام تأکیدات قانونی جهت تأمین استقلال دادگاه و قاضی در رسیدگی‌های کیفری در سال‌های اخیر در موارد مکرر شاهد نقض این اصل اساسی رسیدگی کیفری بوده‌ایم. در برخی جرائم خاص در پی رسانه‌ای شدن روند رسیدگی به یک جرم و خصوصاً زمانی که موضوع جنبه سیاسی پیدا می‌کند و افکار عمومی نیز نگران تحت نفوذ قرار گرفتن دستگاه عدالت کیفری، در رسیدگی به این جرائم هستند و در پاسخ به فشار افکار عمومی ایجادشده توسط رسانه‌ها در موارد مکرر و به اشکال گوناگون شاهد نقض استقلال دستگاه عدالت کیفری بوده‌ایم. یکی از این اشکال نقض استقلال نهادی تشکیل دادگاه‌های ویژه برای رسیدگی به برخی از جرائم است. این در حالی است که به‌منظور رعایت استقلال نهادی دادگاه باید از قبل طبق قانون تشکیل شده باشد. درحالی که چه‌بسا محاکمی پس از وقوع جرم به‌منظور برخورد ویژه با جرم یا متهم تشکیل می‌شود این محاکم ویژه یا همان محاکمی هستند که قبلاً نیز وجود داشته‌اند و به‌طور عادی رسیدگی می‌کرده‌اند ولی از این به بعد به جرمی ویژه رسیدگی می‌کنند یا اینکه قبلاً وجود نداشته‌اند و بعداً تأسیس می‌گردند و ممکن است موقتی بوده و پس از رسیدگی به پرونده یا پرونده‌های خاص مجدداً به‌صورت عادی به رسیدگی‌های خود ادامه می‌دهند (ناجی، ۱۳۸۸).

نکته قابل توجه دیگر در این خصوص تعیین قاضی دادگاه و صدور ابلاغ ویژه برای وی است که در اظهارات سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری به آن اشاره شد. صدور ابلاغ ویژه از سوی بالاترین مقام قضائی به قاضی خاص او را به‌طور خاص و ویژه و درعین حال موقت امور به رسیدگی به یک یا چند پرونده خاص می‌نماید. این در حالی است که در اصل ۱۰۸ ق.ا. در مقام بیان وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه، هیچ‌گونه اشاره‌ای به اختیار تشکیل دادگاه‌های ویژه و انتخاب قضات ویژه نشده است که بتوان مستند قانونی چنین اقداماتی باشد. با توجه به فقدان چهارچوب قانونی مشخص برای تشکیل و نحوه فعالیت دادگاه‌های ویژه، تشکیل چنین دادگاه‌هایی قواعد کلی از جمله صلاحیت به‌ویژه صلاحیت ذاتی را که جزء قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است بر هم می‌ریزد (ناجی، ۱۳۸۸). در پرونده رسیدگی به فساد مالی نیز این مسئله نمایان است به‌طوری که علاوه بر نقض رسیدگی عادلانه که به‌موجب آن دادگاه و قاضی رسیدگی کنند باید بر اساس آئین از پیش تعیین شده به جرم موردنظر رسیدگی

کنند (فضائلی، ۱۳۸۸). که فقدان آن در نهایت منجر به نقض استقلال ساختاری دادگاه و شخص قاضی رسیدگی کنند منجر می شود.

بند هشتم: بی طرفی دادگاه

منظور از بی طرفی دادگاه این است که تمامی عناصر مداخله کننده در رسیدگی کیفی باید بی طرف باشند و این وصف شامل قاضی، شاهد، هیئت منصفه و کارشناس نیز می باشد و منحصر به شخص قاضی نیست در واقع به جز اصحاب دعوی یا وکلای آنان که حق یا تکلیف جانب داری و طرفداری از حقوق خود یا موکل خود را دارند کلیه اجزاء دادرسی باید بی طرف باشند (ناجی، ۱۳۸۸). در تعریف مفهوم بی طرفی معیارهای مختلفی بیان شده و برخی معیار آن را عدم التزام به حفظ یا حمایت از منافع یکی از طرفین بدون التزام به قانون و حقیقت (ناجی، ۱۳۸۸) و برخی فقدان پیش داوری در خصوص موضوع دعوی را ملاک قرار داده اند (طه و همکاران، ۱۳۸۶). بی طرفی دادگاه مفهومی مستقل از استقلال دادگاه است. بی طرفی به معنای جانب داری نکردن از شخص یا چیزی مانند عقیده، رأی و حکم است، اما استقلال عبارت است از مصونیت دادگاه یا قاضی از نفوذ و کنترل قدرت سیاسی یا اجرائی است. بنابراین استقلال دادگاه یکی از معیارهایی است که به حفظ بی طرفی دادگاه کمک می کند در عین حالی که بین استقلال و بی طرفی ملازمه نیز وجود ندارد و ممکن است دادگاه مستقل باشد ولی منجر به رسیدگی بی طرفانه نباشد. بی طرفی قاضی به عنوان مهم ترین عنصر در تضمین بی طرفی دادگاه در رسیدگی است. قاضی باید دچار پیش داوری نشده به خود اجازه ندهد که تحت تأثیر عوامل خارج از پرونده مانند احساسات عمومی، تبلیغات رسانه ای و گرایش ها درونی همچون تمایلات عاطفی، تعلقات خانوادگی و..... قرار گیرد (آخوندی، ۱۳۷۹). با این توضیح مشخص شد که استقلال دادگاه تنها وسیله تضمین بی طرفی نیست و عواملی خارج از آن هم در نقض بی طرفی دخالت دارند. اما مهم ترین آن حفظ استقلال است که به منظور تحقق کامل آن دادرس باید در برابر قوه مجریه و مسئولان قضائی و حتی در

برابر افکار عمومی استقلال داشته باشد و برای صدور رأی فقط قانون و وجدان خود را ملاک عمل قرار دهد و به خواسته‌های دیگران توجه نداشته باشد (ناجی، ۱۳۸۸).

بند نهم: افشای تحقیقات دادسرا

یکی از ویژگی‌های تحقیقات مقدماتی در دادسرا محرمانه بودن این تحقیقات است. در توجیه محرمانه بودن این اقدامات موارد متعددی از جمله: اقتضای اصل برائت، تسریع در جمع‌آوری دلایل، جلوگیری از الحاء یا اخفاء دلایل، حفظ امنیت قاضی و شهود و مطلعین و متهم و... ذکر شده‌اند (فرهمنده، ۱۳۸۳).. بدیهی است هرگونه اقدامی که منجر به افشای تحقیقات انجام گرفته در این مرحله گردد می‌تواند نتایج زیانباری داشته باشد از جمله از بین بردن دلایل و مدارک توسط متهم یا همدستان وی، بیم تبانی و یا متواری شدن متهم را در پی داشته باشد. تجربه نشان داده است که رسانه‌های گروهی به دلیل علاقه‌ای که به درج و شرح موضوعات مربوط به بزهکاری دارند در مظان اتهام قرار دارند و بسیاری آن‌ها را به عنوان یکی از عوامل ایجاد اختلال در جریان تحقیقات و کشف جرائم می‌دانند (شاملو، ۱۳۸۳). اجازه دادن به خبرنگاران در تهیه گزارش از مرحله تحقیقاتی این پرونده به دلیل جنبه رسانه‌ای پیدا کرده آن بوده است. دادن این اجازه در حالی است که این اقدام از سوی قضات در پرونده‌های مشابه مشاهده نمی‌شود. در مصاحبه‌ای که با چهار نفر از قضات دادگاه انجام شد در خصوص نظر آن‌ها نسبت به تهیه گزارش توسط خبرنگاران رسانه‌ها در پرونده‌ها در مرحله تحقیقاتی پرسش شد که تمامی آنان با این اقدام مخالف بودند. این قضات برای مخالفت خود دلایلی مانند موفقیت مرحله تحقیقات، رعایت اصل برائت و کاهش سرعت در ختم مرحله تحقیقات را بیان می‌کردند. در حالی که در این پرونده که جنبه رسانه‌ای پیدا کرده است اجازه تهیه گزارش از تحقیقات مقدماتی به خبرنگاران داده شده است. این امر در حالی است که مأموران تحقیق می‌توانند از ظرفیت رسانه‌ها استفاده کرده و با درج اطلاعات غلط در روزنامه‌ها زمینه دسترسی بهتر به دلایل و مرتکبین جرائم را فراهم کنند.

بند دهم: تسریع رسیدگی

فرآیند رسیدگی و صدور رأی نسبت به یک پرونده کیفری دارای پیچیدگی‌های فراوانی است. بدون شک اظهارنظر و صدور رأی نسبت به یک پرونده کیفری مستلزم صرف وقت و

زمانی است که طول مدت آن با توجه به هر پرونده و به صورت موردی متفاوت است. روند رسیدگی نباید به قدری طولانی باشد که موجب از دست دادن ادله و یا ضعف حافظه و فراموشی شهود شود، به این امر تأخیر ناروا در رسیدگی گفته می شود (فضائلی، ۱۳۸۸). در رابطه با لزوم وجود سرعت در رسیدگی سزار بکاریا در کتاب معروف خود رساله جرائم مجازات می گوید: سزاوار است که کوتاه ترین زمان برای دادرسی احتساب گردد (بکاریا، ۱۳۸۶). از طرفی نیز داشتن زمانی کافی برای تهیه دفاع توسط متهم از معیارهای اساسی دادرسی عادلانه است (طه، ۱۳۸۶). در مقام جمع بین منع تأخیر ناروا و لزوم داشتن مهلت کافی به منظور تهیه دفاع توسط متهم یکی از اصول دادرسی عادلانه به عنوان رسیدگی به جرم در مدت زمان معقول شکل گرفته است. این اصل مبین این امر است که در پرونده های مختلف مدت زمانی که باید در آن رسیدگی انجام شود متفاوت است. این تفاوت ممکن است ناشی از پیچیدگی امر تحقیق در یک پرونده باشد یا در دسترس بودن ادله و مدارک معتبر، اما در نهایت این امر نباید به سلب حق آزادی متهم گشته و او را از حقوق اساسی خود محروم کند. پس تعیین مدت معقول یا تأخیر ناروا به شرایط و پیچیدگی های هر پرونده بستگی دارد (فضائلی، ۱۳۸۸). حق رسیدگی به جرم در مدت زمان معقول به عنوان یکی از موازین دادرسی عادلانه به طور صریح در قوانین پیش بینی نشده است ولی در سطوح مختلف از الفاظ و عبارات کلی به راحتی قابل استنباط است.

بند ششم از اصل دوم ق.ا. کرامت انسان را به عنوان یکی از پایه های نظام جمهوری اسلامی تعیین نموده است. بدون شک یکی از حقوق اصلی انسان که ناشی از کرامت والای انسانی است حق آزادی و امنیت است که با اصل رسیدگی به جرم در مدت زمان معقول تأمین می گردد. باوجود بدیهی بودن این حق در پرونده های کیفری که جنبه رسانه ای پیدا کرده اند ما شاهد تسریع در روند رسیدگی هستیم به نحوی که این تسریع موجب تضییع حقوق دفاعی متهم می گردد. باوجود تأکید مقامات عالی قضائی بر رعایت موازین قانونی و قضائی در این پرونده ها در مواد متعدد شاهد نقض موازینی از دادرسی کیفری هستیم که در تضاد با امر تسریع هستند و مستلزم صرف زمان می باشند.

بند یازدهم: تأثیر رسانه‌ای شدن جرم بر قرارهای تأمین کیفری و تعیین مجازات

یکی از نکاتی که در انتخاب نوع قرار تأمین مورد توجه قاضی قرار می‌گیرد وضعیت روند تحقیقات در پرونده است. قانون‌گذار در بند د. ماده ۳۲ ق. ا. د. ک. یکی از مواردی که می‌تواند منجر به صدور قرار بازداشت موقت توسط قاضی گردد را مواردی دانسته که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتی آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند، همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود نیز اجازه صدور قرار بازداشت موقت با قاضی داده شده است. به این ترتیب به خطر افتادن جریان تحقیقات موجب می‌گردد که مجوز قانونی لازم به منظور صدور شدیدترین نوع قرار تأمین که بازداشت موقت است در اختیار قاضی قرار گیرد. به همین دلیل است که سری بودن یکی از ویژگی‌های مرحله تحقیقاتی در دادسرا پیش‌بینی شده است و تبصره ماده ۱۸۸ ق. ا. د. ک. نیز فقط اجازه حضور رسانه‌ها در جلسات دادگاه و تهیه گزارش از آن را داده است. در مصاحبه‌ای نیز که با قضات در این تحقیق انجام شد نه تنها تمامی آن‌ها با تهیه گزارش و ارائه اطلاعات پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی مخالف بودند، بلکه بعضی از آن‌ها با اجازه تهیه گزارش در دادگاه به خبرنگاران نیز مخالف بودند. دلیل این امر هم این بود که رسانه‌ها با بازتاب اخبار مربوط به جرائم ممکن است مرحله تحقیقات مقدماتی را با مشکل روبه‌رو کنند. اما رویه دستگاه قضایی در جرائمی که جنبه رسانه‌ای پیدا می‌کنند خلاف این نظرات را نشان می‌دهند. نمونه از این جرائم رسانه‌ای شده می‌توان پرونده فساد مالی اخیر که شرکتی خصوصی و دستگاه‌های دولتی در آن نقش داشتند اشاره کرد. در این پرونده سخنگوی قوه قضاییه در جلسات منظم و دوره‌ای خود جریان تحقیقات این پرونده را برای رسانه‌ها بازگو می‌نمود. این پرونده به دلیل زیاد بودن مبلغ اعلامی و نیز دخالت دستگاه‌های دولتی که در نهایت منجر به سیاسی شدن بازتاب آن شد توجه افکار عمومی را به خود جلب نمود و از همان ابتدا شایبه تحت نفوذ قرار گرفتن دستگاه قضایی مطرح شد. در نتیجه دستگاه قضایی نیز در جهت جلب اعتماد افکار عمومی اخبار مربوط به این پرونده را در مراحل مقدماتی و تحقیقات در اختیار رسانه‌ها قرار داد. در طرف مقابل نیز مقامات قضایی به منظور جلوگیری از تأثیرات منفی این بازتابی در

رسانه‌ها ممکن است اقدامات مختلفی را انجام دهند. یکی از اختیاراتی که ممکن است در این جهت مورد استفاده قرار گیرد اختیار انتخاب نوع قرار تأمین کیفری و تشخیص متناسب بودن یا نبودن نوع خاصی از قرار برای پرونده رسانه‌ای شده است (چقازردی، ۱۳۹۷). تأثیر رسانه‌ای شدن جرم بر تعیین و اجرای مجازات توسط دستگاه قضایی نیز مشهود است. در بازنمایی رسانه‌ای جرائم استفاده از روش‌های افزایش جذابیت خبری مانند گزارش داستان وار واقعه و استفاده از القاب دلهره‌آور از قبیل: خفاش شب، عقرب سیاه، کرکس پیر و... موجب نشان داده چهره‌ای بی‌رحم و غیرانسانی از مجرم در جامعه می‌شود. این نوع بازنمایی موجب می‌شود که خواسته‌های مردم در خصوص مجازات این مرتکبین بازتاب داده شود و مقامات قضایی در تصمیمات خود این خواسته‌ها را مورد توجه قرار دهند و این تأثیرپذیری در غالب سزاگرایی و شدت عمل نسبت به این مجرمین نمود پیدا می‌کند. در این پرونده‌ها قضات دادگاه برای اینکه مورد اتهام افکار عمومی و رسانه‌ها در برخورد سهل‌انگارانه با مجرمین نشوند نسبت به متهمین جرائم رسانه‌ای شده شدت عمل نشان می‌دهند. این شدت عمل در مرحله انتخاب مجازات به شکل گرایش به انتخاب مجازات تنبیهی از بین مجازات مورد نظر قانون‌گذار و نیز استفاده نکردن از اختیارات قانونی در جهت تبدیل مجازات نمود پیدا می‌کند. در خصوص جرائمی که دارای حداقل و حداکثر قانونی هستند نیز در صورت رسانه‌ای شدن جریان پرونده مجازاتی بالاتر و نزدیک‌تر به حداکثر قانونی نسبت به مجرمینی که جرائم آن‌ها رسانه‌ای شده است در مقایسه با پرونده‌های رسانه‌ای نشده اعمال می‌شود. تأثیر رسانه‌ای شده جرم بر مرحله اعمال مجازات در پاسخ به افکار عمومی به صورت اعمال نمایشی و درملاءعام مجازات و استفاده نکردن از تدابیر جایگزین که دارای پشتوانه کارشناسی هستند نمود پیدا می‌کند.

الف) تأثیر رسانه‌ای شدن جرم بر قرارهای تأمین کیفری

یکی از نکاتی که در انتخاب نوع قرار تأمین مورد توجه قاضی قرار می‌گیرد وضعیت روند تحقیقات در پرونده است. به خطر افتادن جریان تحقیقات موجب می‌گردد که مجوز قانونی لازم به منظور صدور شدیدترین نوع قرار تأمین که بازداشت موقت است در اختیار قاضی قرار گیرد. به همین دلیل است که سری بودن یکی از ویژگی‌های مرحله تحقیقاتی در دادسرا پیش‌بینی شده است و فقط حضور رسانه‌ها در جلسات دادگاه و تهیه گزارش از آن امکان‌پذیر

می‌باشد اما رویه دستگاه قضایی در جرائمی که جنبه رسانه‌ای پیدا می‌کنند خلاف این نظرات را نشان می‌دهند. نمونه از این جرائم رسانه‌ای شده می‌توان پرونده فساد مالی اخیر که شرکتهای خصوصی و دستگاه‌های دولتی در آن نقش داشتند اشاره کرد. در این پرونده سخنگوی قوه قضاییه در جلسات منظم و دوره‌ای خود جریان تحقیقات این پرونده را برای رسانه‌ها بازگو می‌نمود. این پرونده به دلیل زیاد بودن مبلغ اعلامی و نیز دخالت دستگاه‌های دولتی که در نهایت منجر به سیاسی شدن بازتاب آن شد توجه افکار عمومی را به خود جلب نمود و از همان ابتدا شایبه تحت نفوذ قرار گرفتن دستگاه قضایی مطرح شد. در نتیجه دستگاه قضایی نیز در جهت جلب اعتماد افکار عمومی اخبار مربوط به این پرونده را در مراحل مقدماتی و تحقیقات در اختیار رسانه‌ها قرار داد. در طرف مقابل نیز مقامات قضایی به منظور جلوگیری از تأثیرات منفی این بازنمایی در رسانه‌ها ممکن است اقدامات مختلفی را انجام دهند. یکی از اختیاراتی که ممکن است در این جهت مورد استفاده قرار گیرد اختیار انتخاب نوع قرار تأمین کیفری و تشخیص متناسب بودن یا نبودن نوع خاصی از قرار برای پرونده رسانه‌ای شده است. به این ترتیب که یکی از مواقعی که بازتاب جرم در رسانه می‌تواند به تشدید قرار تأمین متهم منجر شود امکان امحاء آثار جرم توسط متهم یا همدستانش و یا متواری شدن شرکا و یا معاونین جرم است. هم‌زمان با بازتاب ارتکاب جرم در رسانه و اطلاع عموم از کشف آن، شرکا و معاونین جرم و کلیه کسانی که با جرم مورد نظر در ارتباط هستند نیز از کشف جرم مطلع می‌گردند و بدیهی است که هرگونه اقدامی را برای عدم امکان دستگیری و مجازات خود انجام خواهند داد. در چنین مواقعی مقامات قضایی از کلیه امکانات و اختیارات خود در جهت جلوگیری از ایجاد وقفه در امر رسیدگی و از جمله صدور قرار بازداشت موقت استفاده کرده تا با ایجاد مانع بین متهم و همدستان وی امکان متواری شدن آن‌ها و یا از بین بردن آثار و دلایل جرم را به حداقل برسانند. این تدبیر به‌ویژه در خصوص جرائم سازمان‌یافته قابل اتخاذ است. با توجه به اینکه در این جرائم افراد متعدد با یکدیگر در همکاری هستند، دلایل و مدارک ارتکاب جرم نیز بین این اشخاص پراکنده است که این امر استفاده از قرار بازداشت موقت در این جرائم را محتمل‌تر می‌کند.

گاهی نیز متهم در پرونده‌های رسانه‌ای شده با قرارهای تأمین شدیدتری روبه‌رو می‌شود در حالی که توجیه فنی و علمی نداشته و تنها در پاسخ به افکار عمومی و به‌منظور نوعی آرامش موقتی بخشیدن به افکار عمومی انجام می‌گیرد. صدور قرارهای تأمین شدید کیفری در این صورت نسبت به متهمینی مشاهده می‌شود که بازنمایی رسانه‌ای ارتکاب جرم آنان به شدت افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مقصر حادثه نشان داده می‌شوند. این برداشت توسط افکار عمومی به‌ویژه زمانی تأثیر بیشتری دارد که در بازنمایی رسانه‌ای جنبه‌های فنی و تحلیل کارشناسی وقوع جرم مورد اشاره واقع نمی‌شود و واقعه به‌نوعی بازتاب داده می‌شود که این اشخاص در عین مسبب اصلی بودن از تعقیب و مجازات دستگاه قضایی رهایی می‌یابند. نمونه بارز این امر متهم ردیف دوم حادثه قتل میدان کاج سعادت آباد تهران است. در حالی که این متهم به دو اتهام معاونت در قتل عمدی و رابطه نامشروع تحت تعقیب قرار گرفته بود، با قرار بازداشت موقت روبه‌رو شده بود. بنابراین نه در اتهام معاونت در قتل و نه در اتهام رابطه نامشروع صدور قرار بازداشت موقت متناسب نمی‌باشد، مگر اینکه موجباتی مانند بیم از بین بردن دلایل و آثار جرم و یا تبانی مطرح باشد که با توجه به لزوم متناسب بوده با شدت جرم صدور قرار بازداشت موقت را در خصوص اتهام معاونت در قتل توجیه می‌کند.

ب) تأثیر رسانه‌ای شدن جرم بر تعیین مجازات و افزایش میزان و شدت مجازات در دستگاه قانون‌گذاری

روند رسیدگی پرونده‌های رسانه‌ای شده تأثیر قابل توجهی از افکار عمومی می‌پذیرد. تعیین مجازات نیز به‌عنوان مرحله نهایی از رسیدگی کیفری از این اصل مستثنا نیست. تعیین مجازات جرائم در یک فرآیند دوحله‌ای انجام می‌پذیرد و ابتدا در دستگاه قانون‌گذاری نوع و میزان مجازات تعیین می‌شود و سپس در دستگاه قضایی و در مرحله رسیدگی کیفری قضات دادگاه‌ها با استفاده از اختیاراتی که قانون‌گذار به آن‌ها اعطا کرده است، در نهایت میزان مجازات را انتخاب می‌کنند. تأثیرگذاری رسانه‌ای شدن جرم بر دو حوزه قانون‌گذاری و قضایی سیاست جنایی ممکن است با افزایش میزان مجازات در این دو حوزه همراه باشد. و این افزایش مجازات که کیفر گرایی نامیده می‌شود گاهی مرتبط با قانون‌گذاری در عرصه‌ی کیفری به‌عنوان ماحصل گفتمان سیاسی مطرح می‌شود و زمانی نیز در ارتباط با قوه قضاییه و

قضات مطرح می‌شود که به کیفر گرایی قضایی معروف است) محمودی خانکی و همکاران، ۱۳۹۰). عوام گرایی در دستگاه قانون گذاری موجب می‌شود دیدگاه‌های مردم عادی در خصوص مسائل کیفری از جمله مجازات مجرمین ملاک عمل آنان قرار گیرد. تحلیل محتوای مذاکرات نمایندگان مجلس شورای اسلامی در فرآیند قانون گذاری کیفری نشان‌دهنده میزان فراوانی و تنوع در بهره گیری از واژگانی است که بیانگر نگرانی‌های مردم و انتظارات عمومی است. برای نمونه، تمرکز بر دلایلی مانند: «حل مشکلات مردم»، «تأمین امنیت مردم»، «رفع دلواپسی مردم» به هنگام بررسی لایحه الحاق یک ماده به قانون مجازات اسلامی در خصوص نحوه نظارت بر مجرمین سابقه‌دار (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۷، صص ۱۷-۱۰)، تأکید بر برآورده کردن «مطالبات عمومی»، «انتظار عمومی»، «منافع عمومی» از طریق ارائه طرح اصلاح ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۲۴ خرداد ۱۳۸۵، صص ۱۲-۸)، و نیز دفاع از طرح تشدید مجازات جرائم اخلال در امنیت روانی جامعه با استناد به «انتظارات مهم مردم» و «توقعات جامعه» (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۲ تیر ۱۳۸۷، صص ۱۲-۱۰) از نمادهای بارز مشروعیت بخشیدن به سیاست‌های کیفری ایران به شمار می‌آید (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۰).

این در حالی است که شناخت افکار عمومی از مجازات و ویژگی‌های آن ناشی از اخباری است که رسانه‌ها بازتاب می‌یابد. رسانه‌ها نیز جرائمی را بازتاب می‌دهند که دارای ارزش خبری بالایی هستند و عمده جرائم دارای ارزش خبری جرائم خشونت‌آمیز است. مجازات جرائم خشونت‌آمیز نیز دارای درجه تنبیهی بالایی است و به منظور رسیدن به هدف تنبیهی مجازات نیز ویژگی سزادهی آن افزایش داده می‌شود. در نتیجه در رسانه‌ها مجازاتی که بازتاب داده می‌شود دارای شدت بیشتری هستند و با توجه به اینکه این گزارش‌ها توسط مردم مورد نگرش واقع می‌شود، دیدگاه‌های مردم عادی نیز همسو و مطابق با الگوی رسانه‌ای مجازات شکل می‌گیرد. نتیجه این امر گرایش افکار عمومی به ساده‌ی در اعمال مجازات است که از این امر به عنوان کیفر گرایی عمومی به معنای گرایش مردم به پاسخ‌های سرکوبگرانه یاد می‌شود (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۰) این در حالی است که ساده‌ی تنها یکی از اهداف مجازات

است و در انتخاب میزان مجازات نیز نباید ویژگی‌های مجازات از قبیل سزا دهی به‌اندازه‌ای تعیین شود که سایر اهداف مجازات به‌خصوص اصلاح و بازپروری مجرم را با مخاطره روبه‌رو کند به همین دلیل برای تأمین هدف اصلاحی مجازات ناگزیرند از خشونت آن بکاهند (اردبیلی، ۱۳۸۴). از طرفی نیز محتوای اخبار رسانه‌ای در خصوص پدیده‌های مجرمانه و به‌خصوص جرائم رسانه‌ای شده بیش از حد خلاصه و فاقد جنبه تحلیلی است. این دو ویژگی موجب می‌شود که درک و نگرش مردم از پرونده‌های کیفری سطحی و غیر کارشناسی بوده و از دیدگاه‌های کارشناسی فاصله بگیرد. دستگاه قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در وضع برخی از قوانین، از افکار عمومی و خواسته‌های مردم پیروی کرده است که این اقدامات قانون‌گذار مصداق بارز عوام‌گرایی است. در این گونه مصوبه‌ها همراهی مسئولین با افکار عمومی با توجه به گرایش افکار عمومی به سزاگرایی در غالب تشدید مجازات مجرمین نمود پیدا می‌کند. حتی این اقدامات قانون‌گذار در برخی موارد ممکن است به‌پیش بینی عنوان مجرمانه‌ی مستقل برای برخی از جرائم یا تغییر عنوان مجرمانه‌ی عمل ارتكابی نیز منتهی گردد. به‌عنوان نمونه می‌توان به‌پیش بینی عنوان مجرمانه افساد فی‌الارض و مجازات اعدام در قانون ((اصلاح قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند)) اشاره کرد. به دلیل وجود چنین ویژگی‌هایی است که محققان این مصوبه را یکی از مصادیق عوام‌گرایی در دوره‌ی مجلس هفتم قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران می‌دانند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۰). این قانون پس از انتشار فیلم خصوصی یکی از هنرپیشه‌ها که منجر به جریحه‌دار شدن احساسات مردم گردید تصویب شد و به‌شدت تحت تأثیر فضای احساسی ایجادشده توسط رسانه‌ها قرار داشت. ایراد اصلی این رویه قانون‌گذاری کیفری تأثیرپذیری شدید آن‌ها از فضای احساسی، هیجانی و رسانه‌ای حاکم بر جامعه و فقدان ارزیابی علمی است. یافته‌های علمی نشان می‌دهد این تدابیر شتاب‌زده به دلیل درک نادرست از واقعیت‌های مجرمانه در عمل نمی‌توانند تأثیر چندانی در پیشگیری از جرم داشته باشند. حاکمیت فضای احساسی گاهی باعث می‌شود حتی در مواردی که میزان اثربخشی این تدابیر در معرض تردید قرار دارد تحت تأثیر فشارهای سیاسی و مطالبات عمومی اجرای این رویه‌ها همچنان استمرار یابد (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۱).

یکی دیگر از عواملی که در سزاگرایی مؤثر است باورهای مردمی در این خصوص است. باورهای مردم یکی از مؤلفه‌هایی است که می‌تواند بر گرایش آن‌ها به کیفر و میزان و شدت آن مؤثر باشد (محمودی خانکی، ۱۳۹۰).

بند دوازدهم: تأثیر رسانه‌ای شدن جرم بر اجرای مجازات

فرآیند اجرای مجازات به عنوان آخرین مرحله سیاست کیفری که در عین حال عینیت بیشتری نیز دارد و نتیجه آن مشهودتر و ملموس‌تر است، در بازتاب رسانه‌ای جرائم جایگاه ویژه‌ای دارد. در این مرحله اجرای مجازات باید به گونه‌ای باشد که بیشترین میزان تحقق اهداف مجازات را همراه داشته باشد. روند اجرای مجازات از تحول در اهداف مجازات نیز تأثیر پذیرفته و در جهت هماهنگ شدن با آن متحول شده است. از جمله این تحولات می‌توان به استفاده از نهادهای تعلیمی مانند: تعویق اجرای حکم، تعلیق اجرای مجازات، استفاده از مجازات جایگزین و آزادی مشروط اشاره کرد. اما رسانه‌ای شدن برخی پرونده‌های کیفری باعث شده مقامات قضایی رویه‌ای متفاوت نسبت به اجرای احکام را اتخاذ کنند که بیشتر در جهت پاسخ دادن به افکار عمومی و رسانه‌های خبری اعمال می‌شود. در ادامه به بیان این تأثیرگذاری خواهیم پرداخت.

الف) تأثیر بر اعمال مجازات جایگزین

مجازات جایگزین طیف وسیعی از ضمانت اجراها را شامل می‌شود که با توجه به شخصیت مرتکب نسبت به وی قابل اعمال است و به عنوان یکی از ابزارهای سیاست فردی کردن مجازات مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه می‌توان به مراقبت خارج از زندان، ارائه خدمات عمومی، پرداخت جزای نقدی روزانه و محرومیت موقت از برخی حقوق اجتماعی اشاره کرد. این مجازات عموماً دارای درجه پایین ساده‌ی هستند و به منظور دوری جستن از پیامدهای نامطلوب مجازات سنتی مثل عادی شدن مجازات حبس برای مجرمین و ریختن ترس مجرمین از این مجازات و آموزش شیوه‌های جدید ارتکاب جرم در زندان اتخاذ می‌شوند. یکی از ویژگی‌های مجازات جایگزین این است که برخی از آن‌ها جنبه‌ی ترمیمی دارند. یعنی مجازات جنبه‌ی عمومی و ساده‌ی متعارف را ندارد بلکه بیشتر به دنبال ترمیم آزرده‌گی روانی، عاطفی، معنوی و خسارت‌های مالی بزه دیده از سوی بزه‌کار است (ژان، ۱۳۷۹). با توجه به

اهمیت افکار عمومی در این خصوص، مسئله مهم جلب حمایت‌های اجتماعی لازم برای اصلاحات اجتماعی در جهت حمایت از مجازات جدید است. لذا در اصلاح نظام مجازات با مسئله‌ای به نام اعتبار و نتایج اصلاح مجازات در میان مردم روبه‌رو می‌شویم که بستگی به این دارد که مجازات غیر توقیفی نسبت به حبس در بین مردم طرفدار داشته باشد یا نه؟ (پیتلد و نود، ۱۹۹۹). تأثیر دیگری که رسانه‌ای شدن جرم داشته است ناشی از سیاسی شدن بازتاب اخبار مربوط به جرائم است. به این ترتیب که از یک طرف ارتکاب جرم به عنوان نتیجه بی‌کفایتی گروه حاکم و ایدئولوژی‌های آن در اداره و تضمین سلامت جامعه نشان داده می‌شود و از طرفی نیز بازتاب رسانه‌ای جرم موجب تشدید مجازات و سزاکرایی می‌شود. در نتیجه یکی از سیاست‌های گروه حاکم که بی‌نتیجه جلوه داده می‌شود اعمال مجازات شدید نسبت به مجرمین است و با توجه به فنی و علمی نبودن این انتقادات، اقداماتی بعضاً انفعالی و هم‌سخن این انتقادات در پاسخ به آن‌ها انجام می‌شود در نتیجه به‌طور افراطی از میزان مجازات کاسته می‌شود که نتیجه این امر این است که حبس‌ها خفیف شوند و ماهیت روند اجرای مجازات مبهم شود و به آن دیگر مجازات اطلاق نشود و مجازات بی‌ثبات گردند (پریت، ۲۰۰۷).

ب) تأثیر بر شیوه‌ی اجرای مجازات

منطق قضایی و حقوقی ایجاب می‌کند که نسبت به پرونده‌های مشابه رویه یکسانی در پیش گرفته شود مگر در صورتی که توجیه و پشتوانه کارشناسی اعمال تدابیر استثنایی را توجیه کند. اما روند بازنمایی رسانه‌ای جرم ممکن است به گونه‌ای باشد که دستگاه قضایی را در اعمال شیوه‌های متفاوت و غیر کارشناسی که بیشتر جنبه نمایشی دارند تحت فشار قرار دهد. در این میان رسانه‌های گروهی با دامن زدن به اخبار مربوط به جرائم خاص و تأکید بر ارزش‌هایی که در نتیجه آن نقض شده است، ارتکاب جرم را به عنوان اقدامی نشان می‌دهند که پیکره اجتماع را مورد تهاجم قرار داده است. در این پرونده‌ها به نوعی یک بسیج عمومی علیه بزه‌کار در جامعه به رهبری رسانه‌ها به وجود می‌آید. اگرچه اساساً جرم کنش مثبت یا منفی مخالف نظم اجتماعی تعریف شده (نوریه‌ها، ۱۳۸۵). و این تعریف مورد قبول ما نیز می‌باشد و هدف خدشه وارد کردن به این تعریف و مبانی آن نیست اما در این بند بر روی اقداماتی تأکید

می شود که موجب می گردند جرائم رسانه ای شده بیش از اندازه بزرگ جلوه داده شده و جنبه خصوصی جرائم تحت تأثیر جنبه عمومی آن قرار گیری در این موقعیت حق شخصی بزه دیده در معرض تضییع قرار می گیرد و بزه دیده به اتخاذ تصمیمی معین توسط رسانه ها تحت فشار قرار می گیرد و حتی ممکن است از حق خود نیز محروم گردد. باید توجه داشت که انتقام یا بخشش مجرم حق شخصی قربانی است و قانون گذار تنها می تواند او را بر این امور تشویق کند (ابراهیم پور، ۱۳۸۵) در حالی که رویه نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران در مواردی حتی بزه دیده را از حقوق مسلم و شناخته شده خود محروم کرده است. در این میان رسانه ها با بازتاب اخبار مربوط به این جرائم از طرفی وقوع جرم در جامعه را ناشی از مشکلات ساختاری و کوتاهی جامعه در حفاظت از این افراد معرفی می کنند و از طرفی با معرفی مجرم به عنوان موجودی بی رحم و خطرناک در بسیج شدن جامعه علیه بزهکار نقش بسیار مهمی دارند. این امر به خصوص زمانی نمایان است که با یک بزه دیده واقعی کاملاً بی گناه و بی دفاع که در کل بی گناه فرض می شود که به وسیله شخصی بزه دیده واقع شده است که کاملاً نقطه ی عکس این بزه دیده ی بی گناه است یعنی کاملاً بدخواه و غیر قابل اصلاح، در چنین حالتی صدمه ای که به قربانی وارد می شود به نظر می رسد که به کل جامعه وارد شده است (پریت، ۲۰۰۷).

به خصوص زمانی که با یک بزه دیده ی ایدئال که کاملاً بی دفاع و بی گناه است و یک مجرم کاملاً شرور که خطرناک و تبهکار است مواجه هستیم. به عنوان نمونه می توان به محکوم معروف به بجه در ایران اشاره کرد که کودکان زیادی را بعد از اذیت و آزار به قتل رسانده بود. مهم ترین تأثیر رسانه ها در این مورد جنبه ی عمومی دادن به این جرم بود که حتی موجب شد عنوان محکومیت متهم افساد فی الارض انتخاب گردد و بزه دیدگان و اولیاء دم در قصاص این شخص هیچ گونه سهم و نقشی نداشته باشند. به این ترتیب این پرونده هم جنبه حق الهی و هم حق الناس داشت. در چنین حالتی هم اولیاء مقتول حق قصاص قاتل را دارند و هم حاکم از جنبه حق الهی جرم و در این مواقع حق اولیاء دم به عنوان حق الناس بر کشتن به عنوان محارب مقدم است (لطیف، ۱۳۷۲). در حالی که در این پرونده حق اولیاء دم در قصاص قاتل به وضوح زیر پا گذاشته شد، هر چند در نهایت با تصویب هیئت دولت دیه مقتولین از بیت المال به اولیاء دم پرداخته شد. اما رسانه ای شدن این پرونده و سعی مقامات قضایی در تسریع رسیدگی به این

پرونده تحت تأثیر افکار عمومی و فشار رسانه‌ای موجب شد تا عنوان محارب انتخاب گردد که اجرای آن در مقایسه با قصاص که نیاز به مطالبه اولیاء دم و توافق آنان دارد، زمان کمتری نیاز دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در سال‌های اخیر به دنبال رسانه‌ای شدن برخی پرونده‌های کیفری شاهد تشکیل دادگاه‌های ویژه برای رسیدگی به این جرائم بودیم که به دلیل همسویی با افکار عمومی در شدت عمل نسبت به مجرم، در دستور کار دستگاه قضایی قرار گرفته‌اند. این دادگاه‌ها از حیث رعایت معیارهای دادرسی عادلانه در سطح پایینی قرار دارند. این دادگاه‌ها به دلیل انتخاب سلیقه‌ای قضات ویژه از استقلال لازم برخوردار نیستند. فقدان استقلال آنچه به رسیدگی ویژه معروف شده است موجب گشته که اجزای مختلف این دادگاه‌ها بی‌طرفی لازم را در اقدامات خود نداشته باشند و قاضی دادگاه به عنوان بالاترین مقام دادگاه در مواردی این بی‌طرفی را حتی در اظهارات خود نشان دهد و با به کار بردن عباراتی مثل ((بردن آبروی ایران در عرصه‌ی بین‌المللی)) و ((قصد متهمین در تاراج مملکت)) ضمن همسویی با افکار عمومی تأثیرپذیری از فضای رسانه‌ای ایجادشده را نشان دهند. رسیدگی به جرائم رسانه‌ای شده دارای سرعت بیشتری نسبت به جرائم مشابه است. در رسیدگی‌های ویژه سعی می‌شود تا با سرعت در رسیدگی به نوعی شدت عمل در برخورد با مجرمین به نمایش گذاشته شود و در غالب اقداماتی عوام‌پسندانه، نمایشی و احساسی به افکار عمومی در برخورد قاطع با مجرمین اطمینان خاطر داده شود. این سرعت در رسیدگی موجب می‌گردد که در رسیدگی متهم و حقوق دفاعی وی به فراموشی سپرده شود و علاوه بر ترتیب اثر ندادن به برخی دلایل به علت زمان‌بر بودن استفاده از وکیل نیز تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار گیرد و بیشتر جنبه‌ی نمایشی داشته باشد. مرتکبین جرائم رسانه‌ای شده با قرارهای تأمین کیفری شدیدتر در مقایسه با پرونده‌های مشابه روبه‌رو می‌شوند. همسویی مقامات دستگاه قضایی با افکار عمومی ایجادشده توسط رسانه‌ها که تمایل به شدت عمل در خصوص مجرمین دارند موجب می‌گردد که در پرونده‌هایی که جنبه‌ی رسانه‌ای پیدا می‌کنند مجرمین با قرارهای تأمین کیفری شدیدتری مواجه شوند. یکی از دلایل این امر این است که صدور قرار غیر از بازداشت موقت که موجب

می شود متهم آزادانه در جامعه رفت و آمد داشته باشد از نظر افکار عمومی سهل گیری در برخورد با مجرمین می باشد که مورد اعتراض رسانه ها با ادعای نمایندگی افکار عمومی روبه رو خواهد شد. گرایش قضات در پرونده های رسانه ای شده به سزا گرایی و مجازات تنبیهی است. عوام گرایی و همسویی دستگاه قضایی با افکار عمومی موجب گرایش قضات در پرونده های رسانه ای شده به مجازات تنبیهی و افزایش میزان مجازات در این جرائم در رابطه با پرونده های مشابه می شود که این امر مانعی است بر سر راه استفاده از مجازات جامعه مدار و جایگزین که در جهت تحقق اهداف مجازات اعمال می گردند.

با توجه به یافته های تحقیق پیشنهادها زیر به منظور به حداقل رسانیدن آثار منفی رسانه ای شدن جرم بر رسیدگی کیفری پیشنهاد می گردد:

۱. استفاده رسانه ها از مشاوره ی کارشناس مسائل حقوقی در بازنمایی مسائل کیفری. این اقدام می تواند تا حدود زیادی از اعمال سلیقه های شخصی خبرنگاران که فاقد جنبه ی علمی است در تهیه گزارش ها جلوگیری کند و ضمن ارائه ی شرح کامل از واقعه با حفظ بیان ساده ی خبری، محتوایی در اختیار مخاطبان خود قرار دهد تا ضمن اطلاع از واقعه با چهارچوب ها و مسایل فنی آن نیز آشنا گردند.

۲. ایجاد و تقویت سازوکارهای کنترلی انتظامی و اداری. یکی از راهکارهای نظارت بر خبرنگاران استفاده از ظرفیت اتحادیه ها و اصناف در قالب سیاست جنایی مشارکتی است. اتحادیه های مربوطه در این زمینه می توانند با نظارت بر گزارش های خبرنگاران و تضمین رعایت اصول اخلاق حرفه ای در گزارش ها ضمن بالا بردن استانداردهای خبری از تخلفات ساده تر که دارای عناوین مجرمانه نیستند جلوگیری کنند.

۳. افزایش روحیه هماهنگی و انسجام در ارکان مختلف دستگاه عدالت کیفری. نمایندگان مجلس قانون گذاری به عنوان یکی از ارکان سیاست جنایی در این گونه پرونده ها عملکرد مطلوبی نداشته اند و بیشترین تأثیر را از افکار عمومی پذیرفته اند. این افراد نیز در مقابل فضای احساسی و افکار عمومی ایجاد شده توسط رسانه ها کاملاً تسلیم بوده و هیچ مقاومتی در برابر آن از خود نشان نداده اند. در حالی که توصیه می شود در چنین موقعیت هایی نمایندگان به جای تأثیرپذیری از افکار عمومی و تحت فشار قرار دادن دستگاه قضایی در اتخاذ رویه های همسو با

افکار عمومی، از اقدامات دستگاه قضایی در چهارچوب‌های کارشناسی حمایت کنند و از مردم نیز بخواهند تا به دستگاه قضایی اعتماد کنند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۷۹)، آیین دادرسی کیفری، جلد ۴، چاپ اول، تهران: انتشارات اشراق.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۴)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ هشتم، نشر میزان.
- اروجی، فریده (۱۴۰۱)، رسانه ای شدن پرونده های کیفری و سیاست کیفری ایران، هفتمین کنفرانس بین المللی پژوهشهای دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، رسانه ای شدن پرونده های کیفری و سیاست کیفری ایران .
- ابراهیم پور، حسین (۱۳۸۵)، اهداف مجازات در رویکرد حقوق جزا و آموزه های دینی، نشریه معرفت، شماره ۱۰۶.
- بکاریا، سزار (۱۳۸۶)، رساله جرائم و مجازات ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، انتشارات میزان.
- ترز می نژاد، وحیده، جمشیدی، شهرام (۱۳۹۳)، نقش رسانه و مطبوعات در تصمیمات کیفری قضات و اجرای احکام مبتنی بر عدالت، فصلنامه مطالعات رسانه ای، سال نهم، شماره بیست و ششم.
- چقازردی، مصطفی (۱۳۹۷)، تاثیر رسانه ای شدن جرم بر قرارهای تامین کیفری و تعیین مجازات، فصلنامه الکترونیکی پژوهش های حقوقی قانون یار، دوره اول- شماره اول.
- حسینی، سید حسین، اسماعیل زاده، لیدا (۱۳۹۷)، جنبه های عوام گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهاردهم، شماره ۴.

- دهقان، علیرضا (۱۳۷۸)، بررسی تاثیر رسانه ها بر افکار عمومی، کاربرد یک الگوی جامعه شناختی، فصلنامه علوم اجتماعی.
- رهبر، مهدی (۱۳۸۴)، رسانه و پاسخگویی نهادهای حکومتی، نشریه پژوهش و سنجش صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، شماره ۴۱.
- طه، فریده و اشرفی، لیلا (۱۳۸۶)، دادرسی عادلانه، چاپ اول، نشر میزان.
- فضایی، مصطفی (۱۳۸۸)، دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین المللی، تهران: انتشارات شهر دانش.
- فرجیها، محمد (۱۳۹۰)، پیشگیری نظریه‌مند از جرم، مجموعه مقالات همایش ملی علمی - کاربردی پیشگیری از جرم (مشهد)، تهران: انتشارات میزان.
- فرهمند، جعفر (۱۳۸۷)، جایگاه رسانه های گروهی در سیاست جنایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ناجی زواره، مرتضی (۱۳۸۸)، بی طرفی در دادرسی کیفری در پرتو اسناد بین المللی و حقوق ایران، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- نوربها، رضا (۱۳۸۵)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ هفدهم، انتشارات گنج دانش.

(ب) منابع لاتین

- Glick, H. R., & Pruet Jr, G. W. (۱۹۸۵). Crime, public opinion and trial courts: An analysis of sentencing policy. *Justice Quarterly*, ۲(۳), ۳۱۹-۳۴۳.
- Piteield, DJ., & Naude, CMB. (۱۹۹۹). Public opinion in crime seriousness and sentencing. *South African Journal of Criminal Justice*.

- Roberts, J. V. (۱۹۹۵). Sentencing, Public Opinion and the News Media. *Revue générale de droit*, ۲۶(۱), ۱۱۵-۱۲۵.